

گردآوری و ویرایش: سوفی دوده | ترجمهٔ شب‌نم سنگاری

# آلبر کامو و آندره مالرو

نامه‌ها (۱۹۴۱-۱۹۵۹)

و متون دیگر



بنگاه ترجمه و نشر  
کتاب پارسه

## فهرست

۱۱.....	پیش‌گفتار
۴۳.....	برای اطلاع
۴۵.....	نامه‌ها
۹۱.....	پیوست
۱۶۵.....	ضمیمه
۱۶۷.....	گاه‌شمار

## پیش‌گفتار

در نوامبر ۱۹۴۲، آندره مالرو<sup>۱</sup> نسخه‌ی اهدایی افسانه‌ی سیزیف<sup>۲</sup> را از آلبر کامو دریافت نمود، کتابی که به‌طور تاثیرگذار و صمیمانه از چاپ آن حمایت کرده بود. در صفحه‌ی نخست کتاب این جمله به چشم می‌خورد: «تقدیم به آندره مالرو، در کمال تحسین و دوستی. آلبر کامو.» خطابی که حدود ده سال پس از آن، برای تقدیم، در ابتدای عصیانگر<sup>۳</sup> نوشته شد اما، مناسب‌تر یا محتاطانه‌تر به نظر می‌آمد: «تقدیم به آندره مالرو. دوستدار شما، آلبر کامو.» کامو در رساله‌ای که پیرامون پوچی نوشت<sup>۴</sup>، سه بار از نویسنده‌ی کتاب سرنوشت بشر<sup>۵</sup> به‌عنوان نویسنده‌ای که مطالعه‌ی کتابش کامو جوان را به شور و هیجان آورد نام برد اما، در عصیانگر - که رساله‌ای در باب عصیان بشر است - تنها یک بار و به‌طور

---

1. André Malraux

2. *Mythe de Sisyphe*

3. Albert Camus

۴. *L'Homme révolté*؛ این کتاب با عنوان انسان طاعنی نیز ترجمه شده است. - م.

۵. منظور رساله‌ی افسانه‌ی سیزیف است. - م.

6. *La Condition humaine*

ضمنی به مالرو اشاره کرد، حال آنکه مالرو در پیدایش این کتاب تأثیری بسزا داشت. آلبر کامو در نامه‌ای که در اول ژوئیه‌ی ۱۹۵۲ خطاب به پیر بزانتزه<sup>۱</sup> نوشت، موضوع را صریح و بی‌پرده این چنین شرح داد: «در عصیانگر از مالرو صحبت نکردم زیرا در مثال‌ها و تصویرپردازی‌های این کتاب، آثار کسانی را مبنای کار خود قرار داده‌ام که پیش از این از دنیا رفته و پیشکسوت بوده‌اند. آندره برتون<sup>۲</sup> تنها فرد در قید حیاتی است که بنده نظراتش را مطالعه کردم، پیدایش سورئالیسم مربوط به گذشته است [...] حال آنکه مالرو فقط یکی از نظریه‌پردازان در مکتب سورئالیسم بوده است.»

نامه‌هایی که در کتاب حاضر به چاپ رسیده کمی بیشتر از ده سال را شامل می‌شود و این دقیقاً فاصله‌ی بین این تقدیم‌ها در دو رساله‌ی بزرگ کامو است، اما به نظر همان تغییر موضع نامحسوس از دوستی آمیخته به احترام و ستایش به وفاداری بر مبنای احترام نیز در نامه‌ها به چشم می‌خورد. این نامه‌نگاری‌ها بیش از پانزده سال بین آندره مالرو و آلبر کامو جریان داشت، نخستین نامه در ۳۰ اکتبر سال ۱۹۴۱ نوشته شده و گمان می‌رود آخرین نامه‌ی کوتاه نیز در سال ۱۹۵۹ توسط آلبر کامو به رشته‌ی تحریر درآمده باشد. طی این مدت، کامو به همان «نویسنده‌ی برجسته»<sup>۳</sup> ای مبدل شد که آندره مالرو از نخستین باری که دست‌نویس بیگانه<sup>۴</sup> را خواند آن را احساس کرده بود: عضو فعال گروه تئاتر دوتراوای<sup>۵</sup> الجزیره و اندیشمندی متعهد که تمام دنیا او را خواهد شناخت. مرد

1. Pierre Bésanger

2. André Breton

3. *L'Étranger*

۴. آلبر کامو در سال ۱۹۳۶ با همراهی گروهی از جوانان روشنفکر انقلابی که عقاید تقریباً مارکسیستی داشتند و تعدادی هنرمند و کارگر و نظامی را شامل می‌شد، گروه تئاتر دوتراوای (Théâtre du Travail) را در الجزیره تشکیل داد. پس از کناره‌گیری کامو از حزب کمونیست این گروه منحل شد و بعدها تحت عنوان تئاتر دولکیپ (Théâtre de l'Equipe) کار خود را مجدداً از سر گرفت. - م.

5. Alger

جوانی که نخستین کتابش را با کمرویی برای پیشکسوتش فرستاده بود جایزه‌ی نوبل ادبیات را دریافت کرد. مالرو، همراه برجسته‌ی حزب کمونیست، که در معیت آندره ژید<sup>۱</sup> تقاضانامه‌ای برای آزادی دیمیتروف<sup>۲</sup> به گوبلز<sup>۳</sup> نوشته بود، به گلیسم<sup>۴</sup> پیوست و در زمره‌ی هواخواهان این اندیشه‌ی سیاسی درآمد. او را می‌توان از مبلغان الهام‌بخش این اندیشه به شمار آورد. در سال ۱۹۳۳ هنگامی که جایزه‌ی گنکور از ژانر داستانی دور می‌شد تا به آثاری اختصاص پیدا کند که به مقوله‌ی هنر می‌پرداختند، آلبر کامو - که او نیز بعدها با کتاب طاعون<sup>۵</sup> به این موفقیت نایل گشت - خود را با اشتیاق وقف تئاتر می‌کرد؛ چیزی که مالرو با آن بسیار بیگانه بود. سی و شش‌نامه، دیدارها و تبادل نظرات، برای گذر از «تحسین» و رسیدن به واژه‌ی «دوستی»: کامو بی‌آنکه «استاد دوران جوانی‌اش» را انکار کند، در حالی رشد کرد و بالید که مسیر خود را یافته بود. مالرو نیز رسالت خطیر خود را دنبال می‌کرد و رویاهایش را در مسیر سرنوشت تاریخی‌اش تحقق می‌بخشید. این دو یکدیگر را محترم می‌شمردند و زمانی به هم نزدیک بودند، اما آیا می‌شود گفت که آن‌ها با هم دوست بودند؟

آیا دنیای پیرامونشان از همان بدو تولد کاملاً متفاوت نبود؟ یکی در سال ۱۹۰۱ در آغاز سده‌ای دیده به جهان گشود که هنوز به شدت تحت تاثیر ویکتور هوگو<sup>۶</sup> و موریس باره<sup>۷</sup> بود، دیگری اما چند ماه پیش از جنگ اول جهانی به دنیا آمد و زاده‌ی تمدنی بود که خود را «میرا» می‌پنداشت. هر دو توسط مادر و مادر بزرگ‌هایشان بزرگ شدند (مالرو فرزند طلاق بود و کم‌وبیش پدرش

1. André Gide

۲. گئورگی دیمیتروف (Georgi Dimitrov) سیاستمدار کمونیست و عضو فعال حزب کمونیست شوروی و بلغارستان.

۳. یوزف گوبلز (Joseph Goebbels) سیاستمدار و وزیر تبلیغات آلمان نازی.

۴. اندیشه‌ی سیاسی وابسته به ژنرال شارل دوگل (Charles de Gaulle).

5. *La peste*

6. Victor Hugo

7. Maurice barrès

را می‌دید، حال آنکه کامو پدرش را در جنگ سال ۱۹۱۴ از دست داده بود). وانگهی روش آموزش‌شان نیز با هم تفاوت داشت. مالرو خودآموخته بود و پیش از اتمام دوره‌ی دبیرستان، تحصیلات آکادمیک را رها کرد. اما کامو که موفق به دریافت بورس شده بود، تحصیلات تکمیلی را ادامه داد و لیسانسش را در رشته‌ی فلسفه گرفت. هنگامی که آندره مالرو بی‌هدف به آسیا سفر کرد تا تقدیرش را در آنجا رقم بزند، کامو هنوز دوران کودکی‌اش را سپری می‌کرد. وقتی مالرو با کتاب وضعیت بشر موفق به دریافت جایزه‌ی گنکور شد، کامو هنوز دانشجویی جوان و پراآتیه به شمار می‌رفت که به‌تازگی و با این داستان بزرگ آسیایی که او را سخت مبهوت خود نموده بود، نوشتن نقد ادبی را با دقت و ممارست آغاز کرده بود؛ کارگردانی نوپا که دوران تحقیر<sup>۱</sup> را با امکانات اندک و شور و اشتیاق برای گروه تئاتر دوتراوای تنظیم کرد و در ژانویه‌ی ۱۹۳۶ آن را با نگرانی و تکیه بر الگویی به روی صحنه برد که در آن دوران، گورکی<sup>۲</sup>، پاسترناک<sup>۳</sup>، ژید، والر<sup>۴</sup> و برترین اندیش‌مندان ان.ار.اف<sup>۵</sup> از روی آن کار می‌کردند. کامو و مالرو به‌راستی در یک سطح نبودند: آیا چنین فاصله‌ای هیچ‌وقت قابل جبران بود؟ این بار، در آوریل ۱۹۳۶، تلاش جمعی تئاتر دوتراوای با نوشتن و به صحنه بردن شورش در آستوریاس<sup>۶</sup>، از انتشار کتاب امید<sup>۷</sup> آندره مالرو پیشی گرفت، اما مالرو این رمان بزرگ را از دل تجربه‌ی باشکوهش در میدان جنگ و در کنار انقلابیون اسپانیا بیرون کشید، حال آنکه کامو همچنان به موضوع مبارزات نظامی می‌پرداخت. او که به دلیل بیماری سل ناتوان شده بود، گاهی خود را عاجز احساس می‌کرد. از این پس می‌توان هیجانانگیز این جوان الجزایری را، که

1. *Le temps du mépris*

2. Gorki

3. Pasternak

4. Valery

۵. ان.ار.اف «NRF» یا نوول رُوو فرانسه، یک نشریه‌ی ادبی معتبر است که از سال ۱۹۰۸ در

فرانسه چاپ می‌شود. - م.

6. *Révolte dans les Asturies*

7. *L'Espoir*